

کتاب دانیال - شماره شصت و پنج

پرده برداری نبوی: درک ناکامی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ و پیام در حال آشکار شدن فریاد نیمه شب در روزهای آخرالزمان

Jeff Pippenger

2024-01-29

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، نخستین ناامیدی برای جنبش اصلاحی خدا در روزهای آخر فرا رسید. این واقعه یک نشانه راه را در تاریخ وای سوم رقم زد؛ تاریخی که همان تاریخ باران دیرهنگام است و همچنین تاریخ مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر. آن تاریخ در هر جنبش اصلاحی تاریخ مقدس بازنمایی شده است، و به طور مشخص تر در تاریخ جنبش میلریتی بازنمایی شد و با مثل ده باکره به تصویر کشیده شد، و نمایانگر تاریخ نبوی ای است که هر پیامبری آن را شناسایی کرده است.

۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ نخستین ناکامی این جنبش را رقم می زند و از این رو نشانه فرارسیدن زمان تأخیر در مثل ده باکره و در حقوق است. در تاریخ میلری، همان شواهدی که آنان را به اعلام نادرست کشانده بود، دیده شد که تاریخ درست را تعیین می کند. آنگاه زمان تأخیر مثل ده باکره به عنوان «حقیقت حاضر» شناخته شد، و آن زمان تأخیر همان زمان تأخیر مذکور در حقوق باب دو بود. مثل ده باکره به معنای واقعی کلمه تکرار می شود، و این واقعیت نشان می دهد که تنها کسانی که در آن ناکامی درگیر بودند، نامزد آن اند که یا باکره ای دانا باشند یا نادان.

پیکره عظیم ادونتیسیم لاودیکیه ای با رسیدن وای سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آزموده شد، و هنگامی که پیشگویی ناموفق ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ سپری شد، ادونتیسیم لاودیکیه ای به حال خود رها شد تا بی هدف دوباره به سوی رم بازگردد؛ همان گونه که پروتستان ها در تاریخ جنبش میلریتی چنین بودند.

پیروان میلر نه تنها دوره تأخیر را تحقق مثل ده باکره دانستند، بلکه دریافتند که در کتاب حقوق، فرمان انتظار کشیدن برای رؤیا، هر چند تأخیر می کرد، همان نشانه نبوی بود. سپس حقوق تأیید می کند که همان رؤیایی که به اشتباه ارائه شده و نخستین نومیدی را پدید آورده بود، همان رؤیایی بود که در پایان «سخن خواهد گفت».

زیرا این رؤیا هنوز برای زمانی مقرر است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ اگرچه دیر کند، منتظرش باش، زیرا بی گمان خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. حقوق ۲:۳.

پیامی که نخستین ناامیدی را پدید آورد، همان پیامی بود که قرار بود در آینده نزدیک تحقق یافته شناخته شود، اما این پیام همچنان بر استدلال های نبوی پیشین تکیه داشت که در نخستین اعلام نادرست به کار گرفته شده بودند.

در تاریخ میلریتی، نخست قوم عهد پیشین آزموده شد و سپس قوم عهد جدید آزموده شد. آزمون برای پروتستان ها زمانی آغاز شد که فرشته نخست مکاشفه ده - که همان فرشته نخست مکاشفه چهارده است - در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نازل شد. آزمون آنان با نخستین ناامیدی و آمدن فرشته دوم مکاشفه چهارده به پایان رسید.

در تاریخ پیروان میلر، آزمون آنان با آمدن فرشته دوم در نخستین ناامیدی آغاز شد و با رسیدن فریاد نیمه شب پایان یافت؛ همان گونه که خواهر وایت آن را به صورت انبوهی از فرشتگان که به فرشته دوم می پیوندند، به تصویر می کشد. به قدرت روح القدس، پیروان میلر که پیام فریاد نیمه شب را شناختند و پذیرفتند، سپس از پیروان میلر که پیامی را که از هر سو بر آنان فرو می ریخت نمی شناختند، جدا

شدند. در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، فرشته سوم رسید و آن رؤیایی که درنگ کرده بود، آنگاه به سخن آمد.

در تاریخ مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، نخست قوم عهد پیشین آزموده شدند و سپس قوم عهد جدید. آزمون برای ادونتیسیم لاودیکیه‌ای زمانی آغاز شد که صدای نخست فرشته مکاشفه هجده، یعنی همان فرشته سوم مکاشفه چهارده، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نازل شد. آزمون آنان با سرخوردگی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ به پایان رسید.

در جنبش فرشته سوم، آزمون صد و چهل و چهار هزار با فرا رسیدن نخستین سرخوردگی آغاز شد و با فرا رسیدن پیام ندای نیمه‌شب به پایان خواهد رسید. به قدرت روح‌القدس، کسانی که اکنون پیام ندای نیمه‌شب را می‌شناسند و می‌پذیرند، آنگاه از نادانان و شیرانی که پیام چندوجهی‌ای را که اکنون از هر سو بر آنان می‌بارد نشناختند، جدا می‌شوند.

با فرا رسیدن قانون یکشنبه که به زودی در راه است، دومین «ندا»ی فرشته مکاشفه ۱۸ به صدا در می‌آید، و این همان رؤیایی نیز هست که «درنگ کرد» و اکنون سخن می‌گوید. همچنین نمایانگر پیام فرشته سوم است که «گسترش می‌یابد» تا به فریاد بلند برسد.

فریاد نیمه‌شب به صورت فرشتگان بسیاری که به فرشته پیشین ملحق می‌شوند بازنمایی شده است. پیام فریاد نیمه‌شب چندین مؤلفه دارد که به کل پیام کمک می‌کنند، و فرشتگان نماد پیام‌ها هستند. در تاریخ میلریتی، پیشگامی که به‌عنوان کسی که رهبری گردآوری پیام فریاد نیمه‌شب حقیقی را بر عهده داشت شناخته می‌شود، ساموئل اس. اسنو بود. در آن تاریخ به‌خوبی مستند است که فهم اسنو از پیام فریاد نیمه‌شب در طول یک دوره زمانی تکامل یافت.

آن تاریخ حرف به حرف تکرار می‌شود، و پیام آخرین فریاد نیمه‌شب از پایان ژوئیه ۲۰۲۳ به‌طور علنی در حال شکل‌گیری است. این صرفاً پیام اسلام نیست، بلکه همچنین شامل پیام مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر است. همچنین شامل مکاشفه‌ای است مبنی بر این که دو شاخ وحش زمین هر دو از «مرگ و رستاخیز» می‌گذرند و با تصویر وحش موازات دارند؛ همان که در همان تاریخ معمای نبوی «هشتم از هفت است» را تحقق می‌بخشد. این پیام شامل مکاشفاتی نیز هست که با «تاریخ پنهان» هفت تندر پیوند دارد، و معمای نبوی «سنگی» را که رد شد و «سر زاویه» شد، تحقق می‌بخشد؛ زیرا «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش آشکار می‌شود که رشته‌ای است که همه حقایق تاریخ میلر را با حقایقی که در زمان پایان در ۱۹۸۹ گشوده شدند، به هم می‌بافد. مزمورنویس چنین می‌گوید:

سنگی که بناها رد کردند، سنگ سر زاویه شده است. این کار خداوند است؛ و در نظر ما شگفت‌انگیز است. این است روزی که خداوند ساخته است؛ در آن شادی خواهیم کرد و شادمان خواهیم بود. مزمور ۱۱۸: ۲۲-۲۴.

«سنگ»، که نخستین «گوهر»ی بود که ویلیام میلر کشف کرد (و گوهرها سنگ‌اند)، همان «روزی است که خداوند ساخته است». در مقالات پیشین نشان داده شده که ساختار و واژگان فرمان سبت با ساختار چرخه مقدس هفت‌گانه، چنان که در کتاب لایوان، باب بیست‌وپنج، بیان شده است، یکسان است. استراحت در روز هفتم نماد آرمیدن زمین در سال هفتم بود، و هنگامی که این دو فرمان به این شیوه در نظر گرفته شوند، گواهی می‌دهند که در نبوت‌های کتاب مقدس، یک روز نماینده یک سال است.

آنها همچنین نشان می‌دهند که برداشتی که میلر درباره «هفت بار» خشم خدا در لایوان باب بیست‌وشش اعلام کرد، به صورت «یک روز» بیان شده است، زیرا خداوند چرخه مقدس هفت‌ساله را مقرر کرد، همان‌گونه که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و در روز هفتم آرام گرفت.

وقتی عیسی مثل تاکستان را به پایان رساند، از فریسیان سؤال پرسید.

پس هنگامی که صاحب تاکستان بیاید، با آن باغبانان چه خواهد کرد؟ به او گفتند: او آن مردمان شریر را به سختی نابود خواهد کرد و تاکستان خود را به باغبانان دیگری خواهد سپرد که میوه‌هایش را در موسم‌هایش به او بدهند. عیسی به ایشان گفت: آیا هرگز در کتب نخوانده‌اید: «سنگی که بناها رد کردند، همان شد سر زاویه؛ این از جانب خداوند است و در نظر ما شگفت‌انگیز است؟» از این رو به شما می‌گویم: ملکوت خدا از شما گرفته خواهد شد و به امتی داده خواهد شد که میوه آن را به بار آورد. و هر که بر این سنگ بیفتد، شکسته خواهد شد؛ اما هر که این سنگ بر او بیفتد، او را خرد خواهد کرد. و چون رؤسای کاهنان و فریسیان مثل‌های او را شنیدند، دریافتند که درباره آنان سخن می‌گوید. متی ۲۱:۴۰-۴۵

مثل تاکستان، حکایت از آن دارد که قوم برگزیده پیشین کنار گذاشته می‌شود و ملکوت به قوم برگزیده‌ای تازه واگذار می‌گردد. «سنگی» که به گفته عیسی رد شد، همان «سنگی» است که بسته به اینکه چگونه پذیرفته شود، یا نجات می‌دهد یا نابود می‌کند. «سنگ» باید در سیاقی که عیسی به کار برد، حقیقتی کتاب مقدسی باشد، زیرا توانایی آوردن میوه عدالت را دارد، و عدالت مسیح تنها زمانی در مردان و زنان به بار می‌نشیند که کلام حقیقت او را بپذیرند.

ایشان را در راستی تو تقدیس کن؛ کلام تو راستی است. یوحنا ۱۷:۱۷

«سنگ» آموزه‌ای است که یا پذیرفته می‌شود یا رد می‌شود، و عیسی «کلمه» است، و در کتاب اعمال رسولان، پطرس «سنگ» را مسیح می‌خواند.

پس بر همه شما و بر تمامی قوم اسرائیل معلوم باشد که به نام عیسی مسیح ناصری، همان که شما او را مصلوب کردید و خدا او را از مردگان زنده کرد، این مرد در برابر شما سالم ایستاده است. این همان سنگی است که شما بنایان آن را ناچیز شمردید و سر زاویه شده است. و در هیچ‌کس دیگر نجات نیست، زیرا زیر آسمان به آدمیان نام دیگری داده نشده است که به وسیله آن باید نجات یابیم. اعمال رسولان ۱۰:۴۱-۱۳.

و سپس در اول پطرس، او مفهوم نمادین «سنگ» را حتی فراتر می‌برد، اما آن را در همان زمینه کنار گذاشته شدن قوم عهد پیشین و انتخاب قومی تازه به عنوان قوم برگزیده حفظ می‌کند؛ قومی که، به گفته او، «در گذشته قومی نبودند، اما اکنون قوم خدا هستند؛ که رحمتی نیافته بودند، اما اکنون رحمت یافته‌اند.»

شما که نزد او می‌آیید، نزد آن که چون سنگی زنده است—هرچند از سوی انسان‌ها مردود شده، اما نزد خدا برگزیده و گران‌بهاست—شما نیز، چون سنگ‌های زنده، بنا می‌شوید تا خانه‌ای روحانی باشید، کهناتی مقدس، برای تقدیم قربانی‌های روحانی که به واسطه عیسی مسیح مورد قبول خداست. از این رو در کتاب نیز آمده است: «اینک در صهیون سنگ زاویه‌ای اصلی می‌نهم، برگزیده و گران‌بها؛ و هر که بر او ایمان آورد، هرگز شرمسار نخواهد شد.» پس برای شما که ایمان دارید، او گران‌بهاست؛ اما برای نافرمانان، همان سنگی که معماران رد کردند، سر زاویه شد، و نیز سنگی برای لغزش و صخره‌ای برای افتادن؛ برای آنان که به سبب نافرمانی از کلام می‌لغزند—و برای همین نیز مقرر شده بودند. اول پطرس ۴:۳-۸.

پطرس درباره قوم برگزیده پیشین می‌گوید: «برای آنان که نافرمان‌اند، همان سنگی که بناها رد کردند، سر زاویه شده است؛ و سنگ لغزش و صخره لغزش است، برای آنان که به کلام می‌لغزند، زیرا نافرمان‌اند؛ و برای همین نیز مقرر شده بودند.»

هر تصویر مقدس بنیاد، نمایانگر عیسی است.

زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند غیر از آن بنیاد که نهاده شده است، بنیاد دیگری بگذارد که همان عیسی مسیح است. اول قرن‌تیان ۱۱:۳

بنیادی که پیروان میلر پی‌ریزی کردند، صخرهٔ اعصار (سنگ) بود.

«هشدار آمده است: نباید اجازه دهیم چیزی وارد شود که بنیاد ایمانی را که از زمانی که پیام در سال‌های 1842، 1843 و 1844 آمد، بنای خود را بر آن استوار ساخته‌ایم، متزلزل کند. من در این پیام بوم و از آن زمان تاکنون در برابر جهان ایستاده‌ام، وفادار به نوری که خدا به ما بخشیده است. ما قصد نداریم پاهای خود را از آن سکویی که در همان روزهایی که روزبه‌روز با دعایی جدی خداوند را می‌طلبیدیم و در پی نور بودیم، بر آن نهادیم، برداریم. آیا می‌پندارید که می‌توانم از نوری که خدا به من داده دست بکشم؟ این نور باید چون صخرهٔ اعصار باشد. از همان زمانی که عطا شد، مرا هدایت کرده است.» ریویو اند هرالده، 14 آوریل 1903.

نخستین گوهری که میلر کشف کرد و بخشی از بنیاد میلریتی شد، که همچون «صخرهٔ ادوار» است، «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش بود؛ و همان «هفت زمان» نخستین حقیقت بنیادینی بود که آن پیشگامان میلریتی که تازه بنیاد میلریتی را بنا کرده بودند کنار گذاشتند. این بناکنندگان بودند که می‌بایست سنگ بنیادین را رد کنند. آن «سنگ»، که نماد مسیح است، همچنین همان روزی است که خداوند ساخت؛ زیرا او روز هفتم را روز استراحت قرار داد و سال هفتم را سالی قرار داد که زمین استراحت کند. در سال ۱۸۶۳، سنگ بنیاد رد شد، اما قرار است «سر زاویه» و «سنگ لغزش» برای نافرمانان شود.

پیام اسلام وای سوم، موضوع جنبش اصلاحی یکصد و چهل و چهار هزار نفر است، و فرایند آزمایش هنگامی آغاز شد که فرشتهٔ فصل هجده مکاشفه فرود آمد، همزمان با فرو ریختن ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱. ادونتیسیم در خصوص این شناسایی نبوی که یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ فرارسیدن «روز باد شرقی» بود، سکوت کرد. در ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰، هنگامی که دو شاهد فصل یازدهم مکاشفه در خیابان‌های آن شهر عظیم کشته شدند، آنان عقب ماندند. آزمون ادونتیسیم پایان یافت، و آزمون کسانی که مدعی شناخت پیام اسلام بودند آغاز شد.

پس از آنکه تا پایان ژوئیهٔ ۲۰۲۳ بی‌جان در خیابان‌ها افتاده بودند، استخوان‌های خشک مرده سپس به وسیلهٔ نخستین پیام حزقیال برانگیخته شدند. پیام دوم حزقیال، پیام چهار باد اسلام در وای سوم است که نمایانگر مهرگشایی تدریجی پیام فریاد نیمه‌شب است؛ همان بینشی که درنگ کرد و مضمون سراسر دورهٔ این جنبش است. آنگاه پرده از حقایق گوناگونی برداشته شد، زیرا پیام فریاد نیمه‌شب پیامی چندوجهی است. نخستین حقیقتی که در برابر استخوان‌های خشک مرده قرار گرفت، همان نخستین حقیقتی بود که ادونتیسیم لاودیکیه‌ای آن را رد کرده بود، و آن نمایانگر حقیقتی است که گذار لاودیکیه به فیلادلفیا را مشخص می‌کند.

حقیقت، پیام مهر و موم‌کننده است و بنابراین لازم است که هم از نظر فکری و هم از نظر روحانی در آن تثبیت شویم. اینکه فقط دریا بیم دوره‌ای که دو شاهد در خیابان مرده بودند نمادی از پراکندگی «هفت زمان» است، کافی نیست؛ بلکه پذیرش تجربی حقیقت را نیز می‌طلبد.

گوهرهای میلر که نمایانگر حقایق گشوده‌شده در زمان پایان در سال 1798 هستند، به آزمایشی برای باکره‌های ایام آخر تبدیل می‌شوند. تجربهٔ تثبیت شدن در حقیقت به صورت «روحانی» با نخستین گوهر میلر نمایان می‌شود، و تثبیت شدن «فکری» در حقیقت با پیام اسلام «وای سوم» نمایان می‌شود. فراخوان به توبه و اعتراف که با «هفت زمان» به تصویر کشیده شده است، کاری را مشخص می‌کند که در همراهی با مسیح در قدس‌الاقداص انجام می‌گیرد و با رؤیای «ماره» نشان داده می‌شود.

برداشت «عقلانی» از اسلام «وای سوم» با رؤیای «chazon» بازنمایی می‌شود و هر دو برای کسانی که مهر خواهند شد لازم‌اند. در سال ۱۸۶۳، ادونتیسیم لادیکیایی بازسازی آریحا را برگزید و کار احیای اورشلیم را رها کرد. آریحا نماد توانگری است، همان‌گونه که نابینایی لادیکیایی نیز آن را نشان می‌دهد.

یکی از نیرومندترین دژهای آن سرزمین—شهر بزرگ و ثروتمند آریحا—در برابرشان قرار داشت، اما کمی دورتر از اردوگاهشان در جلجال. در مرز دشتی حاصلخیز که سرشار از فراورده‌های غنی و گوناگون نواحی گرمسیری بود، و کاخ‌ها و معابدش مأوای تجمل و فساد بود، این شهر مغرور، پشت باروهای عظیم خود، به خدای اسرائیل به چالش برمی‌خاست. آریحا یکی از مراکز اصلی بت‌پرستی بود و به‌ویژه به عشتاروت، الهه ماه، اختصاص داشت. در این‌جا پلیدترین و خوارکننده‌ترین دین کنعانیان گرد آمده بود. قوم اسرائیل، که نتایج هولناک گناهشان در بیت‌فغور هنوز در ذهن‌شان تازه بود، نمی‌توانستند به این شهر مشرک جز با انزجار و وحشت بنگرند.» پدران و پیامبران، ۴۸۷.

«سنگی» که بنایان در سال 1863، هنگامی که آریحا را بازسازی می‌کردند، رد کردند، همان «هفت زمان» بود که در ایام آخر به حقیقت (گوهر)ی بدل می‌شود که «سر زاویه» می‌گردد، زیرا این حقیقت آغاز ادونتیسیم در جنبش میلری‌ها را با پایان ادونتیسیم در جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر به هم می‌بافد. آن گوهر، که همان «هفت زمان» است، همچنین «روزی است که خداوند ساخته است»، و خود مسیح است، زیرا او کلمه است و او «حقیقت» است. موضوع اسلام همان مضمونی است که پاک‌سازی هر دو قوم برگزیده، پیشین و جدید، را پدید می‌آورد، و آن پاک‌سازی دوگانه در 11 سپتامبر 2001 آغاز شد که «روز باد شرقی» بود. در آن روز دیدبانان باید دقیقاً همان سرودی را می‌خواندند که مسیح هنگام اعلان مَثَل تاکستان خواند. یکصد و چهل و چهار هزار، سرود موسی («هفت زمان») و سرود بره را می‌خوانند.

و دیدم چیزی چون دریای شیشه‌ای آمیخته با آتش؛ و کسانی را که بر وحش و بر تصویرش و بر نشانش و بر عدد نامش پیروز شده بودند، دیدم که بر دریای شیشه‌ای ایستاده بودند و چنگ‌های خدا را در دست داشتند. و سرود موسی، بنده خدا، و سرود بره را می‌خواندند و می‌گفتند: کارهای تو عظیم و شگفت‌انگیزند، ای خداوند، خدای قادر مطلق؛ راه‌های تو عادل و راستند، ای پادشاه قدیسان. مکاشفه ۱۵:۱، ۳.

«بره» همان مسیح است که ذبح شد، و او در میانه دو هزار و پانصد و بیست روز ذبح شد؛ و این ذبح شدن، قربانی جان و خونش را (آنجا که عهد را استوار کرد) با «دعوی عهد او» که در لایوان باب بیست‌وشش موسی آمده است، درهم می‌بافد. سرود موسی و بره، سرود «chazon» تاریخ نبوی و سرود «mareh» از «ظهور» اوست. این، سرود فهمی عقلانی و روحانی است که در دو رؤیای باب هشت دانیال نمایانده شده است. این، سرود قوم عهد است که مورد داوری قرار می‌گیرد و از او درگذشته می‌شود، در حالی که قوم برگزیده‌ای تازه برگزیده می‌شود. فرایند انتخاب، و در نتیجه آن سرود، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد.

او سبب می‌شود نسل یعقوب ریشه بدواند؛ اسرائیل شکوفه خواهد داد و جوانه خواهد زد و روی جهان را از میوه پر خواهد کرد. آیا او را چنان زد که کسانی را که او را می‌زدند، زد؟ یا او همچون کشتگان به دست او کشته شد؟ به اندازه، هنگامی که سر برمی‌آورد، با آن مجادله خواهی کرد؛ او باد سخت خود را در روز باد شرقی بازمی‌دارد. پس به این طریق گناه یعقوب پاک خواهد شد؛ و تمام ثمره این است که گناه او برداشته شود؛ آنگاه که همه سنگ‌های مذبح را چون سنگ‌گچ‌های خردشده می‌سازد، بیشه‌ها و بت‌ها دیگر برپا نخواهند ماند. اما شهر مستحکم ویران خواهد شد، و مسکن ترک خواهد شد و مانند بیابان واگذارده می‌شود؛ در آن گوساله خواهد چرید و همان‌جا

خواهد آرמיד و شاخه‌هایش را خواهد خورد. چون شاخه‌هایش بخشکد، از هم شکسته خواهند شد؛ زنان خواهند آمد و آنها را به آتش خواهند کشید؛ زیرا قومی بی‌فهم‌اند؛ از این‌رو آفریننده‌شان بر ایشان رحم نخواهد کرد، و صورت‌بخششان بر آنان لطفی نخواهد نمود. و در آن روز خواهد شد که خداوند از مجرای رود تا نهر مصر خرمن خواهد کوبید، و شما، ای بنی‌اسرائیل، یک‌به‌یک گردآوری خواهید شد. و در آن روز خواهد شد که شیپور بزرگ دمیده خواهد شد، و آنان که در سرزمین آشور در آستانه هلاکت بودند و رانده‌شدگان در زمین مصر خواهند آمد و خداوند را بر کوه مقدس در اورشلیم عبادت خواهند کرد. اشعیا ۶: ۲۷-۱۳.

اگر درست درک شوند، این آیات دوره‌ای از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد را مشخص می‌کنند. آیه ششم تمام این تاریخ را با معرفی آغاز گیاهی که ریشه می‌دواند، سپس شکوفه می‌دهد و غنچه می‌بندد و سرانجام زمین را از میوه پر می‌کند، بیان می‌کند. میوه‌ای که زمین را پر می‌کند، این کار را در «ساعت» انجام می‌دهد که همان بحران قانون یکشنبه است. در همان حال که مسیح میوه خود را به انبار غله خویش گرد می‌آورد، داوری را نیز بر بابل می‌آورد. داوری‌ای که در زمانی رخ می‌دهد که زمین از میوه پر شده است، در آیه هفتم نشان داده شده است؛ هنگامی که دو پرسش مطرح می‌شود: «آیا او را همان‌گونه که زندگان او را زد، زده است؟ یا آیا او مطابق کشتار کسانی که به دست او کشته شده‌اند، کشته شده است؟»

سپس در آیه هشتم، بارش باران پسین با عبارت «به اندازه» مشخص می‌شود. آنچه باعث می‌شود گیاهان سر برآورند، باران است؛ و وقتی آغاز باران پسین معلوم می‌شود، آغازش با این عبارت نشان داده می‌شود: «به اندازه، آنگاه که جوانه می‌زند.» وقتی باران پسین آغاز می‌شود، «به اندازه» فرو می‌ریزد، زیرا اگر برداشت آمیخته‌ای از حق و باطل باشد، فرو ریختنش بی‌اندازه نخواهد بود.

هر جان حقیقتاً تبدیل‌یافته با اشتیاقی سوزان خواهد خواست دیگران را از تاریکی خطا به نور شگفت‌انگیز عدالت عیسی مسیح بیاورد. فیضان عظیم روح خدا، که با جلال خود تمام زمین را روشن می‌سازد، نخواهد آمد تا مردمی روشن‌ضمیر نداشته باشیم که از راه تجربه بدانند همکار بودن با خدا چه معنا دارد. هرگاه وقف کامل و سراسر دل به خدمت مسیح داشته باشیم، خدا این واقعیت را با ریزش بی‌کران روح خود تصدیق خواهد کرد؛ اما تا زمانی که بخش اعظم کلیسا همکاران خدا نباشند، چنین نخواهد شد. خدا نمی‌تواند روح خود را فرو ریزد هنگامی که خودخواهی و خودلذت‌جویی این‌چنین آشکار است؛ وقتی روحیه‌ای غالب است که اگر به کلام درآید همان پاسخ قایل را بیان می‌کند: «آیا من نگاهبان برادرم هستم؟» اگر حقیقت این زمان، اگر نشانه‌هایی که از هر سو فزونی می‌گیرند و شهادت می‌دهند که پایان همه چیز نزدیک است، برای برانگیختن نیروی خفته آنان که مدعی شناخت حقیقت‌اند کافی نباشد، آنگاه تاریکی‌ای متناسب با نوری که می‌تابیده است این‌جان‌ها را فرا خواهد گرفت. در روز بزرگ حساب نهایی، برای بی‌اعتنایی خود حتی سایه‌ای از عذر نخواهند داشت که بتوانند به خدا عرضه کنند. هیچ دلیلی برای عرضه کردن نخواهند داشت که چرا در پرتو حقیقت مقدس کلام خدا زندگی نکردند، سلوک ننمودند و کار نکردند، و بدین‌سان از طریق رفتار، همدلی و غیرت خود به جهانی تیره از گناه نشان ندادند که قدرت و واقعیت انجیل انکارناپذیر است. *Review and Herald*، ۲۱ ژوئیه ۱۸۹۶.

خواهر وایت این فراز را نقطه‌ای می‌داند که در آن فرشته مکاشفه فرود می‌آید، زیرا می‌گوید: «افاضه عظیم روح خدا که با جلال خویش تمام زمین را روشن می‌سازد.» در فراز دیگری که بارها در این مقالات نقل کرده‌ایم، او تصریح کرده است که وقتی «ساختمان‌های عظیم نیویورک» «بر زمین افکنده شوند»، «باب هجدهم مکاشفه، آیات یک تا سه، تحقق خواهد یافت.»

ما این اندیشه‌ها را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

اکنون برای محبوبم سرودی دربارهٔ تاکستان او می‌سرایم. محبوبم تاکستانی بر تپه‌ای بسیار بارور دارد: آن را حصار کشید، سنگ‌هایش را برچید، و با برگزیده‌ترین تاک‌ها غرسش کرد؛ در میانش برجی بنا کرد و در آن حوض شراب‌گیری ساخت؛ سپس چشم داشت که انگور بیاورد، اما انگور وحشی آورد. و اکنون، ای ساکنان اورشلیم و مردان یهودا، خواهش می‌کنم میان من و تاکستانم داوری کنید. دیگر چه می‌شد برای تاکستانم کرد که من نکرده باشم؟ پس چرا وقتی انتظار داشتم انگور بیاورد، انگور وحشی آورد؟ اکنون بیاوید؛ به شما می‌گویم با تاکستانم چه خواهم کرد: حصارش را برخوادم داشت تا خورده شود؛ دیوارش را فرو خواهم ریخت تا پایمال گردد. آن را متروک خواهم گذاشت: نه هرس خواهد شد و نه بیل زده خواهد شد؛ بلکه خارها و بوته‌های خاردار در آن خواهد رویید. همچنین به ابرها فرمان خواهم داد که بر آن باران نبارند. زیرا تاکستان خداوند لشکرها، خاندان اسرائیل است، و مردان یهودا نهال دلپسند او؛ او چشم به عدالت دوخته بود، و اینک ستم؛ به راستکاری، و اینک فریاد. اشعیا ۵:۱-۷